

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد مقدّس از ما عند التّاس محبوبی را سزااست که جمیع عالم را بکلمه واحدہ خلق فرمود و عرفان و دانش مزین نمود تا کل از ریح وصال ییاشامند و از کوثر بیان عرفان مرزوق گردند برخی از عباد از جذب کلمه الہیہ بکمال شوق و شغف و جذب و انجذاب بمطلع ظهور و مشرق وحی اقبال نمودند و بعضی نظر باحتجابات ظنون و اوهام از محبوب خود محروم ماندند نہ ندایش را اصغا نمودند و نہ بافکش فائز گشتند از کوثر وصال محرومند و از ریح لقا ممنوع مع آنکہ نار طلب در کل مشتعل و در لیالی و ایّام بذکر ایّام ظهور مالک انام مشغول ولکن چون ید قدرت حجاب را خرق نمود و انوار آفتاب حقیقت از خلف سحاب اشراق نمود کل در تہ اوهام و بادیه‌های ظنون سرگردان مشاهده شدند طوبی از برای نفسیکہ فائز شد بآنچہ مقصود عالمیانست للہ الحمد کہ آنجناب مرّہ بعد مرّہ و کرّہ بعد کرّہ بغایت قصوی و مقصود من فی الارض و السّماء فائز شدند ندای مالک اسما را شنیدند و بعنایتش فائز گشتند ہنیئاً لک و مرئناً لجنابک حق شاهد و گواہست کہ از روزیکہ آنمحبوب حسب الامر بوطن ظاہر راجع شدند در کلّ اوان در نظر اینعبد بودہ‌اند و در ساحت امنع اقدس اعلا ہم مذکورند دو طغرا دستخطّ آنجناب مسرّت و ابتہاج بخشید یکی از آن دو در این لیل کہ لیل پانزدهم ماہ مبارک رمضانست رسید و بعد از ملاحظہ اینعبد بساحت اقدس فائز و تمام آنرا معروض داشت ہذا ما نطق بہ لسان القدم فیہذا المقام قال عزّ کبریّانہ

یا نبیل یا ایّہا المسافر الی اللہ قد سمعنا ضججک و صریخک و حنینک فی حبّ اللہ انا کنا معک و نکون معک فضلاً من لدنا انّ ربّک لہو الفضّال الکریم و اربناک فی المنام ما سرّ بہ فؤادک و انشرح بہ صدرک و قرّت بہ عینک انّ ربّک لہو الشّاهد السّمیع قد عرض العبد الحاضر ما فی کتابک اجنابک من قبل و فیہذا الحین انّ ربّک لہو الکریم الحمد للہ از نسیم صبح الہی بیدار شدی و یوم اللہ را ادراک نمودی ندائش را شنیدی و از قلب و لسان و ارکان بقول بلی و لبّیک مؤید گشتی در وقتیکہ غفلت ارض را احاطہ نمودہ بود تو از کلمہ آگاہ شدی جمیع ابصار از برای این یوم خلق شدہ و جمیع آذان از برای این یوم بودہ ولکن بعد از طلوع و ظهور و اشراق کل محروم و محجوب مشاہدہ شدند الا معدودی و آن معدود از اہل فردوس اعلیٰ لدی اللہ مذکور یا ایّہا السّالک الی سیلی و التّائّر الی افقی حمد کن مالک قدم را کہ ترا بمقامی فائز فرمود کہ قلم اعلیٰ در بارہات شہادت دادہ اینمقام بسیار عظیم است ان اعرف و کن من الشّاکرین انشاء اللہ باید آنچہ تلقّاء وجہ اصغا نمودی بعمل بآن فائز شوی حکمت از نظر نرود چہ کہ از اعظم احکام الہی بودہ و هست باید در کلّ احوال باو متمسک باشی کوثر عرفان را آشامیدی ولکن باید اثر آن از لب ظاہر نشود اینست حکمیکہ بآن مأموری و باید بآن عامل شوی آنچہ الیوم سبب تسکین عباد است بآن باید متمسک جست چہ اگر وضو مرتفع شود سبب اضطراب و انقلاب نفوس ضعیفہ خواہد شد حق جلّ جلالہ کریم است و رحمتش سبقت گرفته کلّ وجود را از غیب و شہود انا قلنا من قبل لا تطمئن من کلّ وارد و لا تصدّق کلّ قائل از ہر نفسی نباید مطمئن شد و نزد ہر نفسی ہم نہاید لؤلؤ محبّت الہی را اظہار نمود چہ کہ اکثر عباد سارق و خائن و ملحد مشاہدہ میشوند انّ ربّک یقول الحقّ و یهدی السّبیل و هو العزیز الجمیل انتہی

از آیات منزله و بیانات مالک احدیہ فضل و رحمت و عنایت و شفقت حق جلّ جلالہ نسبت بآنجناب واضح و لائحست یا محبوب فؤادی لعمر اللہ بمقام عظیم فائز شدید الیوم شأن آن معلوم نیست چہ کہ ظاہر نیست ولکن البتہ اینمقام بر عالمیان ظاہر و ہویدا خواہد شد حسب الامر باید آنجناب بجمیع وسائل ستر متمسک باشند چہ اگر امر آنجناب واضح شود بیم آنست کہ ضرر وارد گردد و این منافی است با حکمتیکہ مأمورید بآن از نزد حق با کل بحکمت و مدارا رفتار نمائید حال

حفظ وجود آنجناب بر خود آنجناب و سایر دوستان لازم است چه که بخدمت امر قائمید و اینمقام اعظمست از سایر مقامهای بلند اعلی که استماع شده و میشود از حق این خادم فانی میطلبد که شما را بآنچه امر فرموده مؤید فرماید آنه لهُو المقتدر القدیر

از جمله عنایت حق آنکه در حینیکه مکتوب آنجناب عرض شد همان حین جواب از سماء مرحمت و عنایت نازل آن ربنا الرحمن لهُو الفضل المشفق المعطى الغفور الکریم اینکلمه در دستخط آنمحبوب مرقوم بود گردنیکه بعشق بلند شد البته بشمشیر افتد و سربکه بحب برافراخت البته بیاد رود و قلبیکه بذکر محبوب پیوست البته پرخون خواهد شد اینمراتب در پیشگاه حضور معروض گشت فرمودند شما از فضل الهی و رحمت نامتناهی ربانی بشهادت کبری فائزید و اینمقام فوق شهادت ظاهر است هر نفسی الیوم باراده الهی تمسک جست و بمشیت او فائز گشت او بشهادت کبری فائز است چه که از خود و اراده و مشیت خود فانیست و باراده و مشیت حق جلّ جلاله و عمّ نواله باقی و متحرک لذا ابداً در فکر شهادت ظاهره مباش باعلاى از آن فائزى بکمال صبر و سکون و وقار باید حرکت نمائی اظهار کلمه‌ئی که سبب ضوضا و غوغای عباد شود جایز نه و در کتاب الهی نهی شده نهیاً عظیماً با دوستی و بذکر او مشغول و مشغوفی و بخدمتش قائم کدام مقام اعظم از اینمقام است قسم بآفتاب بیان که از افق سجن طالعست که مقامی اعظم از اینمقام نبوده و نیست و دقیقه این حیات و زندگانی را قرون متوالیه و احقاف مترادفه و عهدهای متعدده معادله ننماید اینست آفتاب بیان که از افق سماء عنایت رحمن اشراق نموده انشاء الله باو منور و مسرور و متمسک و متشبث باشید انتهی

و اینکه مخصوص جناب محمد قبل علی علیه بهاء الله استدعای لوح امنع اقدس نمودند در ساحت عزّ احدیه عرض شد و باجابت مقرون لوحی از سماء فضل نازل و مخصوص ایشان ارسال شد برسانید انشاء الله بذکر حق و ثنای حق و خدمت امر حق مشغول باشند و باخلاق روحانیّه و اعمال مرضیه مزین وقتی لسان قدم باینکلمه محکمه مبارکه ناطق قوله عزّ کبریاّنه

یا خادم و یا عبدی الحاضر بنویس بجناب نبیل الذی توجّه بعد الاذن الی الافق الاعلی دوستان الهی را بکمال روح و ریحان از قبل حق وصیت نماید و جمیع را بآداب حسنه و اعمال طیبّه و اخلاق روحانیّه دعوت کند تا کل بما یحبّه الله و یرضی فائز شوند و همچنین بگویند و اخبار نمایند که فساد و نزاع و جدال و امثال آن شأن سبع ارض است شأن انسان مقدّس و منزه و مبرّا از این امور

یا اهل البهّاء باعمال حق جلّ جلاله را نصرت نمائید و مدائن قلوب را باشمش فتح کنید مدن ظاهره و برّ و بحر را حق تعالی شأنه بملوک واگذاشته لایق توجّه دوستان الهی که فی الحقیقه از کوثر بقا آشامیده‌اند و بافق اعلی ناظرند نبوده و نیست و همچنین جمیع را امر نمودیم که بامری از امور و بشغلی از اشغال مشغول باشند طوبی از برای نفسیکه حمل نمود و حمل نشد بکسب و اقتراف توجّه نمایند فلسی از آن عند الله احبّ است از کنزیکه بغیر حق جمع شود و آماده گردد انشاء الله کل فائز شوند بآنچه از قلم اعلی نازل شده آنه یهدی من یشاء الی صراطه المستقیم الحمد لله العزیز الحکیم انتهی

این خادم فانی بصد هزار عجز و نیاز و ناله و ابتهال از حقّ منیع سائل است که دوستان خود را مؤید فرماید بر عمل بآنچه در کتاب نازل شده آنه یحفظهم و یقرّبهم و یغنیهم عن دونه ان هذا الا فضل عظیم

و اینکه در باره زیارت مرقوم داشتند بعد از عرض مکتوب در ساحت اقدس بنیابت آنجناب زیارت مفصل بعمل و الحمد لله بطراز قبول فائز شد هنیئاً لجنابک و لعبد القائم لدی العرش

و اینکه در فقره عطر نوشته بودند انشاء الله میرسد و بنعمت وصال فائز میگردد حال مزرعه منظر اکبر واقع است مکتوب جناب آقا محمدعلی هنوز نرسیده انشاء الله میرسد

و در باره قطعۀ مبارکه مرقوم داشته بودند انشاء الله میرسد و بآن فائز میشوند انشاء الله در جمیع احوال بخدمت امر و حفظ نفس خود لاجل خدمت موفق و مؤید باشند

اِنَّ رَبَّنَا الرَّحْمَنُ لَهوَ الْحَافِظُ الْمُقْتَدِرُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ الْبَهَاءُ عَلَى حَضْرَتِكَ وَ عَلَى مَنْ مَعَكَ وَ عَلَى الَّذِينَ فَازُوا بِهَذَا الْأَمْرِ الْعَظِيمِ

---

این سند از [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) کتابخانه دیجیتال دایرود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ مه ۲۰۲۳، ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر